



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۱۴

عزیز الله کهگدای

یادداشت‌های مرحوم حافظ نور محمد کهگدای (قسمت ۳۶)

دیوان شاهنشاه غازی اعلیحضرت تیمورشاه بابا بن شاهنشاه بزرگ اعلیحضرت احمد شاه بابا غازی رحمهما الله تعالی به دستگیری اعضای دارالتحریرشاهی در عصر همایون « اعلیحضرت محمد ظاهرشاه خلدالله ملکه و سلطانه » در ۱۳۱۸ ش رستساخت گردیده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب «دیوان» حاضر هفتمین اثریست که رفقای دائره با من در سواد آن کمک نموده و برای کتاب خانه اهداء فرمودند: این کتاب هم حیثیت تاریخی دارد و هم حیثیت ادبی، و این دو حیثیت را چیزی که دو بالا میسازد شخصیت شاعر و مؤلف آن است، زیرا وی یکی از شهنشاهان بزرگ وطن ماست و بنابراین حق داریم که وی را بستانیم و آنرا جزء افتخارات خود شمارکنیم .

اعلیحضرت تیمورشاه « مؤلف دیوان هذا » پسر کلان شهنشاه بزرگ اعلیحضرت احمد شاه بابای غازیست که مثل پدر نامور خود صفات جهانگیری و صناعت سخن سنجی را در خود جمع نموده بود، یعنی تیمورشاه بابا نیز بالشکر صید جهان میکرد و با شعر صید معنی میفرمود: او در مقطع یکی از غزلهای خود از بخت و اقبالیکه در فتح و تسخیر داشت، چنین ایما میکند:

لشکر بخت من از همت شاهی تیمور سوی شهری که رخ آورد بهر باب گرفت

همچنین در قطعه تاریخی که درختم کتاب ایراد نموده است از صید غزالان سخن و از لطف معانی آن یاد مینماید و میگوید:

به معنی سراسر غزل های اوست غزالان ولی از عبارت بدام
بود بیت و هر فرد او دفتزی زمعنی و لطف عبارت تمام

هر چند طبیعت راحت پسند اعلیحضرت موصوف چندان به زحمت تن در نمی داد اما با وجود آنهم فتوحات پدر خود را در نظر داشته چندین بار بطرف هندوسند و بلوچستان، ایران و کشمیر تاخت و تاز های تاریخی نمود. سلطنت وی از ۱۱۸۶ق تا ۱۲۰۷ ق دوام نمود و بلاخره در ساحت چارباغ کابل که آنرا بسیار دوست داشت، مدفن گردید تاریخ فوتش را هم از جمله « چارباغ » یافتند : چون دفن آن مرحوم در چارباغ شد نکته سبحان شاه زمان پسرش بر فراز قبر وی گنبد عجیب البنائی طرح و تعمیر نموده است که تا امروز پابرجاست. دیوان مذکور تا حال طبع نشده و نسخه های قلمی آنهم نایاب است. بنده به بسیار تلاش و زحمت دونسخه آنرا ملاحظه نمودم که یکی به خط غلام محمد نام کابلی بوقت صبح پنجشنبه ۵ شوال تحریر یافته است که دارای ۲۱۹ غزل و ۱۵ رباعی و یک تعداد ابیات می باشد که در ۱۶۶ صفحه « ۲۱ و نیم در ۳۱ سانتی بر کاغذ خوقندی نوشته شده و متعلق به کتابخانه خصوصی ذات شاهانه اعنی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه دارد و دوّم آن به خط ملا خداد نامی است که به دارالسلطنه کابل در ۱۴ ماه صفر الخیر ۱۲۱۰ق خاتمه یافته است و از مملکات دوست محترم آقای محمد یوسف خان ناظم حضور ملکه صاحبه افغانستان میباشد و هم چنین نسخه دیوان مذکور در کتابخانه آقای عبدالمحمد خان مدیر «اخبار چهره نما» طبع مطبوعه قاهره است و یک نسخه دیگر نیز که متعلق کتاب خانه شهزاده احمد علیخان درانی است در ۵ جمادی الثانی ۱۲۷۷ بسال حمدونه «شادی» تمام شده بود نیز ملاحظه شد. ولی بدبختانه هر دونسخه خیلی ها بی اهتمام نوشته شده، غلطی ها، خرابیها و مغشوشیت های مدهشی دارند که صحت نمودن اغلات و مربوط ساختن عبارات آن وقت بسیار بکار داشت، بنابراین زحمت دوستان من در سواد گرفتنتش خیلی زیاد بود و من بدین جهت

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

از ایشان علیحده تشکر می نمایم. (تالیست: بنابر علت فوق و نبودن ماشین تایپ و فوتو کاپی امروزی، نبود از اینرو گرفتن سواد دیوان مذکور از ۱۳۱۸ش - ۱۳۲۳ش را دربر گرفت) همکاران دائره و رفقای که در سواد دیوان مذکور همکاری نموده اند :

- این جانب مدیرشعبه اول
- ص جان محمد خان و ص عبدالواحد معروفی سرکاتبان شعبه اول
- ص محمد حسین خان و ص عبدالستارخان کاتبان شعبه اول
- ص مولوی محمد شریف خان و ص عبدالستار خان اعضای شعبه اول
- ص غلام محمد خان کاتب شعبه اول خدمتی پغمان
- ص محمد سرورخان ترجمان
- ص محمد اعظم خان و ص قاضی محمد دلاور خان و ص ضیاء الدین سرکاتبان شعبه دوم
- ع غلام قادرخان مدیر، ص حاجی غلام نبی خان و ص غلام حیدر خان سرکاتبان و ص محمد اکرم کاتب شعبه اوراق
- ع عبدالرحیم مدیر تنظیمات وزارت دربار
- ع محمد جعفر خان مدیر و ص محمد رفیق خان کاتب شعبه شخصی
- ص محمد آصف خان ناظم، از ناظمیت ملکه صاحبه

باید یادآور شد که میرابو سعید اوبهی هروی متوفی ۱۲۳۲ق در زمان اعلیحضرت تیمورشاه بابا بکابل وارد و در محفل حضور تیمورشاه شرف باریافت. اتفاقاً این مجلس در یکی از قصور بالاحصار بالا که شهرکابل از سه جانب بدان مشرف بود واقع و برفباری و یخ بندان شهر و یخ مالک بچه ها در پای حصار بخوبی ملاحظه میشد، اعلیحضرت موصوف فی البدیهه گفت: **شهرکابل چه نکو یخ بسته** ، ابوسعید جواباً گفت: **خلق را رنگ به رو یخ بسته** در همان مجلس ابوسعید چهار فرد دیگر هم ساخت و قدرت طبعش معلوم شد، اینست چهار فرد باقی ابوسعید :

سره ر کوچه زیخمالک و برف	بچه ها راسرو رو یخ بسته
دم آبی که خورد مرد فقیر	نا رسیده به گلو یخ بسته
بزم ارباب طرب نا شده گرم	کاسه و جام و سیو یخ بسته
مانده زاهد بره زهد و نماز	در کفش آب وضو یخ بسته

اینک شعر حمدیه نمونه از صفحه اول دیوان اعلیحضرت تیمورشاه بابا :

خدایا در صفات خویش گویا کن زبانم را	قبول خاطر نازک خیالان کن بیانم را
زبانم را به مدح ذات پاک خویش گویا کن	بکن مقبول ارباب معانی داستانم را
به یاد گلشن خویش بسی فریاد ها دارم	چو بلبل درسخن شیرین لواگردان فغانم را
حذر یارب ز تاب گرمی خورشید محشر	به زیر سایه الطاف خود گردان مکاتم را
الهی از نزول قطره های ابر احسانت	به مانند صدف لبریز گوهر کن زبانم را
بهار گلشن جانم ز تو امید ها دارد	بکن سیراب از باران رحمت گلستانم را
به درگاہت ز سوز دل « شهء تیمور »	
که یارب مهربان گردان مه نا مهربانم را	

به هرصورت از مشت نمونه خروار را می توانیم حدس بزنیم که تیمور شاه بابا غزل را متین میسراید و دیوانش شامل ۲۱۹ بیت دارد که در آن اشعار فلسفی، اخلاقی و قطعه های عبرت آمیز دیده میشود، ایزد تبارک و تعالی جای او را درجنان کناد.

« پایان »

[سایر نوشته های این نویسنده:](#)